

بعلاوه در آیات گذشته سخن از گروههای سه گانه‌ای بود که بعضی بی دلیل درباره خدا و رستاخیز به مجادله برمی‌خیزند، و بعضی کارشان اغواگری است،

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۴

و گروهی افراد سست ایمانی هستند که گاه به این سو و گاه به آن سو پرتاب می‌شوند آیه مورد بحث به نمونه‌های این گروهها که در برابر مؤمنان قرار گرفته‌اند اشاره می‌کند. از همه اینها گذشته بحث در باره معاد در آیات پیشین این سؤال را مطرح می‌کند که هدف از معاد چیست؟ در آیه مورد بحث یکی از اهداف آن که پایان گرفتن اختلافات و بازگشت به وحدت است بیان شده.

۲- مجوس کیانند؟

واژه «مجوس» فقط یک بار در قرآن مجید در همین آیات مطرح شده و باتوجه به اینکه در برابر مشرکان و در صف ادیان آسمانی قرار گرفته‌اند چنین برمی‌آید که آنها دارای دین و کتاب و پیامبری بوده‌اند. تردیدی نیست که امروز مجوس به پیروان زردشت گفته می‌شود، و یا لاقلاً پیروان زردشت بخش مهمی از آنان را تشکیل می‌دهند، ولی تاریخ خود زردشت نیز به هیچوجه روشن نمی‌باشد، تا آنجا که بعضی ظهور او را در قرن یازدهم قبل از میلاد دانسته‌اند و بعضی در قرن ششم یا هفتم! این تفاوت و اختلاف عجیب یعنی پنج قرن! نشان می‌دهد که تا چه اندازه تاریخ زردشت تاریک و مبهم است. معروف این است او کتابی به نام اوستا داشته که در سلطه اسکندر بر ایران از بین رفته است، و بعداً در زمان بعضی از پادشاهان ساسانی بازنویسی شده.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۵

از عقائد آنها مطالب زیادی در دست نداریم، ولی چیزی که امروز بیش از همه شهرت دارد مسأله اعتقاد به دو مبداء خیر و شر یا نور و ظلمت است، به

این ترتیب که خدای نیکبها و نور را «اهورامزدا» و خدای شر و ظلمت را «اهریمن» می‌دانند، و به عناصر چهار گانه مخصوصا «آتش» احترام بسیار می‌گذارند تا آنجا که آنها را آتش پرست می‌خوانند و هر جا آنها هستند آتشکده‌ای کوچک یا بزرگ نیز وجود دارد.

بعضی واژه مجوس را از ماده «مغ» که به پیشوایان و روحانیین این مذهب می‌گفتند مشتق می‌دانند، و «مؤبد» که اکنون به روحانیین آنها گفته می‌شود در اصل از ریشه «مغود» بوده.

در روایات اسلامی آنها از پیروان یکی از انبیای بر حق شمرده شده‌اند (که بعدا از اصل توحید منحرف گشته و به افکار و عقائد شرک‌آلود روی آورده‌اند).

در بعضی از روایات می‌خوانیم مشرکان مکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تقاضا کردند از آنها جزیه بگیرد، و اجازه بت پرستی به آنها بدهد! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیرم، آنها در پاسخ نوشتند تو چگونه چنین می‌گوئی در حالی که از مجوس منطقه «هجر» جزیه گرفته‌ای؟! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ان المجوس کان لهم نبی فقتلوه و کتاب احرقوه: «مجوس پیامبری داشتند و کتاب آسمانی، پیامبرشان را به قتل رساندند، و کتاب او را آتش زدند»!

در حدیث دیگری از «اصبغ بن نباته» می‌خوانیم که علی (علیه السلام) بر فراز منبر فرمود: سلونی قبل ان تفقدونی «از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا نیابید».

«اشعث بن قیس» (منافق معروف) برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان چگونه

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۶

از مجوس جزیه گرفته می‌شود در حالی که کتاب آسمانی بر آنها نازل نشده و پیامبری نداشته‌اند؟ علی (علیه السلام) فرمود: آری ای اشعث قد انزل الله الیهم کتابا و بعث الیهم نبیا: «خداوند کتابی بر آنها نازل کرده و پیامبری مبعوث نموده است».

و در حدیثی از امام سجاد علی بن الحسین (علیه السلام) می‌خوانیم که پیامبر فرمود: سنوا بهم سنة اهل الکتاب، یعنی المجوس: «با آنها طبق سنت

اهل کتاب رفتار کنید، منظور پیامبر اسلام مجوس بود)).
ضمناً باید توجه داشت که واژه «مجوس» جمع است و مفرد آن «مجوسی» است.

۲- صابئان چه کسانی هستند؟

از آیه فوق اجمالاً استفاده می‌شود که آنها نیز پیرو بعضی از مذاهب آسمانی بوده‌اند، بخصوص که در آیه در میان طائفه یهود و نصارا قرار گرفته‌اند، بعضی آنها را از پیروان «یحیی بن زکریا» می‌دانند که مسیحیان او را یحیی تعمیددهنده می‌نامند و بعضی معتقدند آنها برخی از عقائد یهود و برخی از عقائد مسیحیان را گرفته و به هم آمیخته‌اند، و لذا مذهب آنها را برزخی میان این دو مذهب می‌دانند.
«صابئان» برای آب جاری اهمیت زیادی قائلند، و لذا بسیاری از آنها در کنار نهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، می‌گویند به بعضی از ستارگان نیز احترام می‌گذارند، و به همین جهت متهم به «ستاره پرستی» شده‌اند، هر چند ظاهر آیه فوق این است که آنها در صف مشرکان نیستند.
(برای توضیح بیشتر به جلد اول تفسیر نمونه ذیل آیه ۶۲ سوره بقره مراجعه کنید).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۷

۳- گروه منحرفان از توحید

در آیات فوق به پنج گروه از مذاهب تحریف یافته اشاره شده که شاید ترتیب آنها در اینجا بر حسب انحرافشان از اصل توحید است، یهود کمترین انحراف را نسبت به دیگران از توحید دارند و صابئان که گروه برزخی در میان یهود و نصارا هستند در مرحله دومند.
سپس نصارا با پذیرش تثلیث و خدایان سه گانه انحراف بیشتری یافته، و مجوس با تقسیم کردن کل عالم به دو بخش خیر و شر و قائل شدن به دو مبدأ در سراسر جهان هستی در مرحله چهارم قرار دارند. و اما مشرکان و بت پرستان که رفتار بیشترین انحرافند، در آخر ذکر شده‌اند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۸

آیه و ترجمه

إلهم ترأى الله يسجد له من فى السموت و من فى الارض و الشمس و القمر
والنجوم و الجبال و الشجر و الدواب و كثير من الناس و كثير حق عليه العذاب
و من يهن الله فما له من مكرم ان الله يفعل ما يشاء ۱۸

ترجمه :

۱۸ - آيا ندیدى که سجده می کنند برای خدا تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند و همچنین خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم، اما بسیاری ابا دارند و فرمان عذاب در باره آنها حتمی است، و هر کسی را خدا خوار کند کسی او را گرامی نخواهد داشت، خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می دهد.

تفسیر:

همه موجودات جهان در پیشگاه او سجده می کنند

از آنجا که در آیات گذشته سخن از مبدء و معاد بود، آیه مورد بحث با طرح مسأله توحید و خداشناسی، حلقه مبدء و معاد را تکمیل می کند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مخاطب ساخته می گوید: «آيا ندیدی تمام کسانی که در آسمانها و تمام کسانی که در زمین هستند برای خدا سجده می کنند، و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان؟! (الم تر ان الله يسجد له من فى السماوات و من فى الارض و الشمس و القمر و النجوم و الجبال و الشجر والدواب).

» (و نیز بسیاری از مردم برای او سجده می کنند، در حالی که بسیار

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۹

دیگر ابا دارند و مستحق عذابند)» (و كثير من الناس و كثير حق عليه العذاب).

سپس اضافه می کند: «اینها نزد پروردگار بی ارزشند و هر کس را خدا بی ارزش سازد هیچکس نمی تواند او را گرامی دارد و مشمول سعادت و ثواب کند» (و من يهن الله فما له من مكرم).

آری «خداوند هر کاری را بخواهد و مصلحت بداند انجام می دهد» مؤمنان را گرامی و منکران را خوار می سازد (ان الله يفعل ما يشاء).

نکته ها:

۱- این سجود همگانی چگونه است؟

- در قرآن مجید در آیات مختلف سخن از «سجود» عمومی موجودات جهان و همچنین «تسبیح» و «حمد» و «صلوة» (نماز) به میان آمده است و تاءکید شده که این عبادات چهار گانه مخصوص انسانها نیست، بلکه حتی موجودات ظاهرا بی جان نیز در آن شرکت دارند. گرچه در ذیل آیه ۴۴ سوره اسراء (در جلد دوازدهم) پیرامون حمد و تسبیح عمومی موجودات عالم به طور مشروح بحث کرده ایم، و همچنین در جلد دهم ذیل آیه ۱۵ سوره رعد از سجده عمومی موجودات عالم سخن گفته ایم باز در اینجا لازم است اشاره ای به این مسأله مهم بشود: با توجه به آنچه در آیه مورد بحث آمده موجودات عالم دارای دو گونه سجودند، «سجود تکوینی» و «سجود تشریعی».

خضوع و تسلیم بی قید و شرط آنها در برابر اراده حق و قوانین آفرینش و نظام حاکم بر این جهان همان سجود تکوینی آنها است که تمام ذرات موجودات را شامل می شود، حتی سلولهای مغز فرعونها و نمرودها و منکران لجوج، و تمام ذرات وجود آنها مشمول این سجود تکوینی هستند. به گفته جمعی از محققان تمامی ذرات جهان دارای نوعی درک و شعورند،

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰

و به موازات آن در عالم خود، حمد و تسبیح خدا می گویند، و سجود و صلات دارند (شرح این سخن را در ذیل آیه ۴۴ سوره اسراء آوردیم) و اگر این نوع درک و شعور را نپذیریم لاقلاً تسلیم و خضوع آنها در برابر همه نظامات هستی به هیچوجه قابل انکار نیست.

اما «سجود تشریعی» همان نهایت خضوعی است که از صاحبان عقل و شعور و درک و معرفت در برابر پروردگار تحقق می یابد. در اینجا این سؤال پیش می آید که اگر برنامه سجود عمومی موجودات همه انسانها را در بر می گیرید چرا در آیه فوق به گروهی از انسانها تخصیص داده شده است؟.

اما با توجه به اینکه سجده در این آیه در یک مفهوم جامع میان «تشریع» و «تکوین» استعمال شده پاسخ این سؤال روشن می شود، زیرا سجده در مورد خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان، فرد

تکوینیش منظور است، اما در مورد انسانها تشریعی است که بسیاری آن را انجام می‌دهند و گروهی سرپیچی کرده و مصداق «کثیر حق علیه العذاب» هستند، و می‌دانیم استعمال یک لفظ در مفهوم جامع و عام با حفظ مصادیق مختلف هیچ مانعی ندارد، حتی نزد آنها که استعمال لفظ را در بیشتر از یک معنی جایز نمی‌دانند، تاچه رسد به ما که استعمال لفظ مشترک را در معانی متعدد مجاز می‌دانیم (دقت کنید).

۲- آیا سجود فرشتگان تشریعی است؟

بی شک در «جمله یسجد له من فی السماوات» فرشتگان داخلند، ولی آیا سجده آنها تکوینی است یا تشریعی؟
با توجه به اینکه آنها دارای عقل و شعور و معرفت و اراده‌اند، سجود آنها جنبه تشریعی دارد یعنی عبادت و خضوعی است که با اراده و اختیار انجام می‌گیرید قرآن در باره فرشتگان می‌گوید: لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یأمرون:

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۱

«آنها هیچیک از فرمانهای الهی را عصیان نمی‌کنند و آنچه را که او دستور داده انجام می‌دهند» (تحریم - ۶).

۳- پاسخ به چند سؤال

۱- با توجه به اینکه «من فی الارض»، شامل همه انسانها می‌شود، چرا بعد از آن جمله «کثیر من الناس» آمده است؟
در پاسخ این سؤال می‌توان گفت که این جمله در حقیقت توضیحی است برای «من فی الارض» یعنی ساکنان زمین دو گروهند، گروهی مؤمن و خاضع در برابر خدا و گروهی کافر و متمرّد و سرکش.
این احتمال را نیز بعضی از مفسران داده‌اند که تعبیر «من فی الارض» که جنبه عمومی دارد اشاره به سجود تکوینی است که همه انسانها حتی کافران جزء جزء وجودشان در آن شرکت دارند، ولی جمله «کثیر من الناس و...» اشاره به سجود تشریعی است که در آن با هم مختلفند.
این احتمال نیز وجود دارد که «من فی الارض» اشاره به فرشتگان ساکن زمین باشد مانند «من فی السماء» که اشاره به فرشتگان ساکن آسمانها است، در حالی که جمله بعد، از انسانهای ساکن زمین سخن می‌گوید.

۲- چرا در این آیه از ساکنان آسمان و زمین، سخن به میان آمده نه از خود آسمان و زمین.

در پاسخ می‌گوئیم آسمانها همان ستارگانند که در کلمه «نجوم» جمعند، و ذکر «جبال» (کوهها) که قسمت مهمی از کره زمین را تشکیل می‌دهند اشاره به خود زمین است.

۳- بالاخره آخرین سؤال این است که چرا «الم تر» (آیا نمی‌بینی)

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۲

فرموده، با اینکه سجده عمومی موجودات چیزی نیست که با چشم دیده شود؟ اما با توجه به اینکه «رؤیت» در لسان عرب گاهی به معنی «علم» می‌آید پاسخ این سؤال نیز روشن می‌شود، بعلاوه گاه از مسائل بسیار روشن تعبیر به مشاهده می‌کنیم و مثلاً می‌گویند آیا نمی‌بینی که فلان انسان، حسود و بخیل است، یا فلان انسان عالم و عادل است (در حالی که این صفات جنبه حسی ندارد) منظور درک قطعی است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۳

آیه ۱۹- ۲۴

آیه و ترجمه

هذان خصمان اختصموا فی ربهم فالذین كفروا قطعت لهم ثياب من نار
یصب من فوق رؤوسهم الحمیم ۱۹
یصهر به ما فی بطونهم و الجلود ۲۰
و لهم مقمع من حدید ۲۱
كلما ارادوا ان یخرجوا منها من غم اعدوا فیها و ذوقوا عذاب الحریق ۲۲
ان الله یدخل الذین امنوا و عملوا الصلحت جنت تجری من تحتها الانهر
یحلون فیها من اءساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فیها حریر ۲۳
و هدوا الی الطیب من القول و هدوا الی صراط الحمید ۲۴
ترجمه :

۱۹- اینها دو گروه‌اند که در باره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند: کسانی که کافر شدند لباسهائی از آتش برای آنها بریده می‌شود، و مایع سوزان و جوشان بر سر آنها فرو می‌ریزند.

۲۰ - آنچنان که هم درونشان را آب می کند و

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۴

۲۱ - و برای آنها گرزهایی از آهن است.

۲۲ - هر گاه بخواهند از غم و اندوههای دوزخ خارج شوند آنها را به آن باز می گردانند و (به آنها گفته می شود) بچشید عذاب سوزان را!

۲۳ - خداوند کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده اند در باغهایی از بهشت وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است، آنها با دستبندهائی از طلا و مروارید زینت می شوند و لباسهایشان در آنجا از حریر است.

۲۴ - آنها به سوی سخنان پاکیزه هدایت می شوند و به راه خداوند شایسته ستایش راهنمایی می گردند.

شاء نزول:

جمعی از مفسران شیعه و اهل تسنن شاء نزولی برای نخستین آیه از آیات فوق نقل کرده اند که فشرده اش این است: «روز جنگ بدر، سه نفر از مسلمانان (علی (علیه السلام) و حمزه، و عبیده بن حارث بن عبد المطلب) به میدان نبرد آمدند و به ترتیب «ولید بن عتبه» و «عتبه بن ربیع» و «شیبۀ بن ربیع» را از پای در آوردند، آیه فوق نازل شد و سرنوشت این مبارزان را بیان کرد.

و نیز نقل کرده اند که «ابوذر» سوگند یاد می کرد که این آیه در باره مردان فوق نازل شده.

ولی همان گونه که بارها گفته ایم وجودشان نزول خاص هرگز مانع عمومیت مفهوم آیه نمی شود.

تفسیر:

دو گروه متخاصم در برابر هم!

در آیات گذشته به گروه مؤمنان و طوائف مختلفی از کفار اشاره شده بود،

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۵

و مخصوصا آنها را به صورت شش گروه بیان کرد، در اینجا می فرماید: این دودسته - مؤمنان و غیر مؤمنان - در باره پروردگارشان به خصامه و

جدال پرداختند (هذان خصمان اختصموا فی ربهم). طوائف پنجگانه کفار از یکسو و مؤمنان راستین از سوی دیگر، و اگر درست دقت کنیم می‌بینیم که اساس اختلافات همه ادیان به اختلاف در باره ذات و صفات خدا باز می‌گردد و نتیجه آن به مسأله نبوت و معاد کشیده می‌شود، بنابراین لزومی ندارد که ما در اینجا کلمه «دین» را در تقدیر بگیریم و بگوئیم مخاصمه آنها در دین پروردگارشان است بلکه واقعا ریشه اختلافات به اختلاف در توحید بازمی‌گردد، و اصولا تمام ادیان تحریف یافته و باطل به نوعی از شرک گرفتارند که آثارش در همه عقائد آنها ظاهر می‌شود. سپس چهار نوع مجازات کافرانی را که دانسته و آگاهانه حق را انکار کردند بیان می‌کند:

نخست از لباس آنها شروع کرده می‌گوید: «کسانی که کافر شدند لباسهائی از آتش برای آنها بریده می‌شود» (فالذین كفروا قطعتم لهم ثياب من نار). این جمله ممکن است اشاره به آن باشد که واقعا قطعاتی از آتش به صورت لباس برای آنها بریده و دوخته می‌شود! و یا کنایه از این باشد که آتش دوزخ از هر سو آنها را مانند لباس احاطه می‌کند. دیگر اینکه مایع سوزان و جوشان «حمیم دوزخ» بر سر آنها ریخته می‌شود» (یصب من فوق رؤسهم الحمیم).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۶

اما این آب سوزان و جوشان در بدن آنها آنچنان نفوذ می‌کند که «هم درونشان را ذوب می‌نماید و هم برونشان را»! (یصهر به ما فی بطونهم و الجلود).

سوم اینکه «تازیانه‌ها یا گرزهایی از آهن سوزان برای آنها آماده است» (و لهم مقامع من حدید).

«و هرگاه بخواهند از دوزخ و غم و اندوههای آن خارج شوند آنها را به آن باز می‌گردانند، و به آنان گفته می‌شود، بچشید عذاب سوزان را»! (کلما ارادوا ان یخرجوا منها من غم اعيدوا فیها و ذوقوا عذاب الحریق). و این چهارمین مجازات آنها است.

در آیات بعد با استفاده از «روش مقابله» حال مؤمنان صالح را بیان می‌کند تا از طریق مقایسه، وضع هر دو گروه کاملا مشخص شود، و در اینجا پنج نوع

پاداش آنها را بازگو می کند:
نخست می گوید: «خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند در باغهایی از بهشت وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است»

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۷

(ان الله يدخل الذين آمنوا و عملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار).
گروه اول در شعله های آتش سوزان غوطه خوردند و اینها در باغهای بهشت در کنار نهرهای جاری آرمیده اند.
سپس به زینت و لباس آنها پرداخته، می گوید: «آنها با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می یابند و لباسشان در آنجا از حریر است» (يحلون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فيها حرير).
و این دو پاداش دیگر آنها است.
به این ترتیب در بهشت، زیباترین لباسهایی را که در دنیا از آن محروم بودند در تن می کنند و دستبندهای جواهر نشان در دست دارند، اگر در این جهان از پوشیدن این گونه لباسها و زینتها ممنوع بودند به خاطر آن بود که مایه غرور و غفلت می شد و سبب محرومیت گروه دیگر می گشت، ولی در آنجا که این مسائل مطرح نیست این ممنوعیتها برداشته می شود و جبران می گردد.
البته با توجه به اینکه الفبای زندگی در آن جهان با اینجا متفاوت است این الفاظ مفاهیمی برتر و بالاتر از آنچه ما در این جهان می اندیشیم خواهد داشت (دقت کنید).

بعدها

فرست

قبل